

### متن پرسش

سلام استاد عزیز: از وقتی که فرمودید جدی باش سعی می‌کنم اوقاتم را با قیام و جهاد ناقصی در حد خودم داشته باشم تا دچار بی‌تاریخی نشوم؛ اما مانع است که پشت سر هم پیش می‌آید، همه می‌گویند داری زیاده روی می‌کنی نیش و کنایه می‌شنوم، همسر و مادر و پدر و خانواده ام درکم نمی‌کنند و واقعا برایم مانع شده اند، حرفشان را دیگر اصلا نمی‌فهمم. خدا شاهد است دیگر کلاس درس نمی‌توانم بروم و کلام و اعتقادات اسلامی را بشنوم، پای هر منبری نمی‌توانم بنشینم، حرف مردم برایم عجیب و غریب شده که مثلا می‌گوید موز شد کیلویی ۵۰ تومن، استاد خدا می‌داند خسته‌ام، نمی‌توانم دیگر وارد دنیای آنها شوم و نمی‌خواهم وارد دنیایشان شوم. آنها هم به دنیای من نمی‌آیند هرچه دعوتشان می‌کنم، با همسر در یک خانه‌ایم، او می‌گوید غرب من می‌گویم شرق! چه کنم استاد؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در این مورد باید به فضائلی که تحت عنوان «مداراة النَّاسِ» در آموزه‌های دینی ما مطرح شده است، نظر کنید. از رسول خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» داریم که می‌فرمایند: «أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِدَاءِ الْفَرَائِضِ؛» پروردگارم، همان گونه که مرا به انجام واجبات فرمان داده، به مدارا کردن با مردم نیز فرمان داده است. و نیز می‌فرمایند: «أَعْقَلُ النَّاسِ أَشَدُّهُمْ مُدَارَاةً لِلنَّاسِ؛» عاقل‌ترین مردم کسی است که بیشتر با مردم مدارا کند. موفق باشید